

وژنامه مد



حرف حسابی سه کلام است!

سید مهدی حسینی

قرار است این شماره درباره مد و مدگرایی بنویسیم؛ آن هم برای آن جوانانی که بیشترین گرایش را - به طور غریزی - به تنوع و نوآوری دارند و گاهی برای ارضای روحی شان به سمت مد و مدگرایی و شاید مدپرستی کشیده می شوند. نه، اشتباه نکنید لحن قلم من قرار نیست مصلحت اندیشانه و همراه بانصیحت باشد نگاه من هم از نوع عاقل اندرسفیه نیست؛ به عبارت خودمانی تر، قرار نیست جوانان عزیز این مرز و بوم را نصیحت کنم که ای جوانان! دست از مدپرستی بردارید، آیا می دانید که لباسی که از آن طرف آب برای شما ساخته و ارسال می شود چه پیام فرهنگی منفی دارد، و استعمار دائم دارد پول خرج می کند که هم تجارت کند هم دل های شما را ببرد و چه و چه...

نه، اشتباه نکنید، قرار نیست همه را به یک چوب برانم و بگویم: آه! وا اسفا! به داد این جوانان برسید. دیگر درمیان جوانان ما، جوانی که بتوان به سرش قسم خورد نیست یا اگر هست در حکم کیمیاست! مسئولان فرهنگی کجا هستند؟ چرا از جوانان - که فرزندان خودشان اند - غافلند؟ و...

حرف من یکی، سه کلام بیش تر نیست و انصاف بده حرف حسابی سه کلام است! حرف اول این که «مد، چیز بدی نیست» دوم این که «مدگرایی، ایرادی ندارد» و سوم این که «مدپرستی، خط قرمز همه ما در توجه به «مد» است»

سه حرف را زدم به این نتیجه رسیدم که حرف چهارمی هم وجود دارد و این که: «چرا وقتی حرف «مد» می زنیم به یاد جوان ها می افتیم، مگر مدگرایی و مدپرستی، در غیرجوان ها پیدا نمی شود؟ نکند همه کاسه و کوزه ها را سر جوان ها می شکنیم تا خودمان از شر نگاه های آزاردهنده، پرسش گر و اعتراض آمیز منتقدان در امان بمانیم؟! *

گفتیم، مد چیز خوبی است. مدگرایی هم ایرادی ندارد، چون انسان تنوع طلب و جمال پرست است؛ اما باید توجه داشته باشیم، مدگرایی با متلون المزاجی و به عبارت امروزی تر: «دمدمی مزاجی» متفاوت است؛ چیزی که غربی ها روی آن سرمایه گذاری کرد

هاند و در حقیقت نقطه ضعف ما محسوب می شود، همین امر است. این که هرروز در برابر مد جدید قرار می گیریم، چیز تازه ای نیست؛ اما این که در برابر آن از خود بی خود شویم و برای تهیه آن، دچار تصمیمات احساسی و دفعتی شویم، خوب نیست. آدم هایی که دمدمی مزاجند، معمولاً زود به چیزی دل می بندند و زودی هم از آن دل می کنند امروز این لباس مد روز می شود بعد از ظهر فلان رنگ، فردا فلان نوع مانتو یا روسری، پس فردا فلان مدل مو، ریش و سیبیل... حلقه مفقوده در این میان، اندیشیدن و اختیار است. من می بینم همه این نوع مدل ریش را پسندیده اند، خوب پس من هم به این نوع مدل روی می آورم؛ اما آیا فکر کرده ام که این مدل به من می آید یا نه؟ اصلاً وقتی یک باره و هر روز، همه مردم یک مدل از لباس یا مو و ریش و سیبیل را از همه ببینند، از آن وا نمی زنند؟! و هزار پرسش بی جواب دیگر...

همه ما یا جوانیم یا کم کم از جوانی فاصله گرفته ایم یا داریم فاصله می گیریم؛ مثل من که دارد این اتفاق برایم می افتد (و این سطرها را با حسرت و افسوس می نویسم) بنابر این همه مان یک جوهرهایی «مد» را تجربه کرده ایم به هر حال یا اندکی آن را پذیرفته ایم یا در برابر آن واکنش نشان داده ایم. آن چه در این میان مهم است نوع واکنش هایی است که دیده ایم یا نشان داده ایم. «مد» اگر همراه با این حس باشد که: «اگر بر شخصیت من نمی افزاید، حداقل از آن نگاهد»، فی نفسه خوب است... راستی اگر جز این باشد، کدام عاقلی و کدام وجدان بیداری در برابر آن واکنش نشان نمی دهد.

و اگر امروز واکنش چندانی از برخی جوانان مان نمی بینیم و آنان را اسیر مد امروز و دلوپس مد فردا می بینیم، بیش تر بدین خاطر است که کسی این احساس و این پرسش سرنوشت ساز را برایشان مطرح نکرده است...

راستی توقع دارید این پرسش را ماهواره ها و کارتل های فرهنگی - تجاری دنیای غرب برای مان مطرح کنند؟! *

از مدلت خوشت می آد؟

معصومه میرغنی

چیة؟ چرا این قدر هولی؟ یواش تر! مد سال است، درست! با رنگ زده شده، این هم درست. قیمتش رو چی، نگاه کرده ای یا با قیمت خودت مقایسه کرده ای؟ من هم مثل تو عاشق تغییر و تحولم. من هم جوونم و دلم می خواد دنبال تازه ترین باشم و وقتی توی بازار می گردم و از مدلی خوشم می آد، نباید بدونم براچی؟ اصلاً کی گفته به خود رسیدن بد است، هان؟ مگر نه اینه که آدم باید همیشه و در همه حال به خودش برسه و طراوت زندگی رو حس کنه؟! حتماً تو هم مثل من زیبایی رو دوست داری. راستش من فکر می کنم خیلی قشنگه که آدم هر روز صبح به فکر عوض کردن مدلش باشه و این کار رو گسترش بده. فکرشو بکنین، صبح از خواب بلند می شید؛ اگه کمی مدل بعضی از اخلاق و رفتارها تون رو هم تغییر بدید، چقدر خودتون و دیگران رو خوشحال می کنین. اون وقت حتماً اونا هم به فکر عوض کردن خودشون می افتن و در خودشون تغییر و تحولاتی می دن که مدلشون رو بهتر می کنه. من که تا دیر نشده دارم سراغ یه مد جدید می رم تا هرکی از فردا چشمش به من می افته بگه: وای! خیلی مدلش قشنگ و جدیده. دلم می خواد مثل اون باشم.

